**بسم الله الرحمن الرحیم**

30/12/1436

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان

**ضرورت هدف زندگی**

یکی از اشتباهات رایج در زندگی ما آدم‌ها معمولاً این است که توجه به هدفمان در زندگی نداریم؛ همچنین قبل از آن، تعیین هدف را به اجمال برخورد می‌کنیم؛ و خیلی سطحی و غیر دقیق در مقام انتخاب هدف برمی‌آییم. وقتی هدفی را انتخاب می‌کنیم فکر می‌کنیم بلافاصله باید عمل کنیم؛ و با همان علم و هدفی که داریم ما به هدفمان می‌رسیم! اما اینکه چه چیزی ما را به هدف می‌رساند و درحالی‌که هدف خوبی انتخاب می‌کنیم ولی اعمالمان ما را به هدفمان نمی‌رساند همچنان علمی که در مقدمه‌ی رسیدن به هدف نیاز است مسائل بسیاری مهمی هستند.

در امر تعیین هدف ما به صورت سطحی برخورد می‌کنیم. یک روانشناس متخصص که آقای شیطان باشد، ما را در گلوگاه‌هایی غافل می‌کند، که هر چه در معادلات زندگی می‌گذاریم دیگر جواب نمی‌دهد. وقتی از کسی پرسیده می‌شود که هدف شما در زندگی چیست؛ می‌گویند همین چیز دیگر ...! یعنی تا کنون به آن فکر نکرده‌اند، خیلی هم که اهتمام داشته باشند می‌گویند، وضعمان بهتر شود و رفاهمان بیشتر شود.

هدف نداشتن که یک بلیه ی عام البلوا است و هدف خوب نداشتن یک درد فراگیر است. در انتخاب هدف اگر 90 درصد از عمرمان را هم صرفش کنیم، سود کرده‌ایم. دقیقاً به کجا می‌خواهم برسم؟ دائم شکایت می‌کنیم از مسئله‌ی غایب بودن پروردگار عالم، اینکه عالم معنا چه قدر پشت پرده است و خیلی چیزهای دیگر، ولی اگر به هدف دقت کنیم، هر چه پشت پرده است به روی پرده می‌آید. روز قیامت هم سر هدف با آدم بحث می‌کنند و بررسی و محاسبه می‌کنند.

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَحْشُرُ النَّاسَ عَلَی نِیَّاتِهِمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ (كافی، ج 5، ص 20). إِنَّ اللَّهَ لا یَنْظُرُ إِلَی صُوَرِكُمْ وَ لا إِلَی أَمْوَالِكُمْ وَ لَكِنْ یَنْظُرُ إِلَی قُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ (مجموعه ورام، ج 2، ص 228)

مردم بر نیت‌ها و اهدافشان محشور می‌شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّمَا الاعْمَالُ بِالنِّیَّاتِ وَ إِنَّمَا لامْرِئٍ مَا نَوَی (تهذیب الاحكام، ج 1، ص 83)

ارزش نیات تا این حد است که اعمال ما را ارزیابی می‌کنند. اگر اعمالی باشند که مطابق با نیات نباشند که باید دور ریخته شوند و ارزشی ندارد. اعمالی که منتهی به نتیجه نشده‌اند که ارزشی ندارند و در قیامت منتهی به پاداشی نمی‌شوند. مانند تخصصی که در رشته‌ای می‌گیریم ولی در شغل دیگری مشغول به کار می‌شود.

**انتخاب هدف و سبک زندگی**

ما قبل از اینکه به بندگی، دین‌داری، به خداپرستی و معنویت بپردازیم باید شخصیت و شاکله‌ی خود را بررسی کنیم.

قُل کُلّ یعمل عَلی شاکِلَتِه فَرَبُّکم أعلَمُ َبه من هُو أهدی سَبیلا (اسراء، 84)

بگو هرکس بر اساس خلق و خوی خود عمل می‌کند. پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می‌شناسد.

قبل از اینکه فرزندان در دانشگاه‌ها تربیت شوند، باید سبک زندگی بیاموزند، اگر سبک زندگی صحیحی نباشد، سخت می‌شود دین را در بین آن‌ها جا انداخت. کسی نمی‌تواند از پیامبر نسبت به هدایت بشر، حریص تر باشد. خداوند به ایشان می‌فرمایند:

ما أَنْزَلْنا عَلَيْکَ الْقُرْآنَ لِتَشْقي (طه، 2)

با این حال، رسول خدا می‌فرمایند اگر یک عنصر فرهنگی در مخاطب یا جامعه وجود نداشته باشد، دیگر هدایت آن‌ها امکان ندارد.

در مصباح الشریعه حدیث طولانی است که قسمتی از آن این است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا لَمْ‏ تَسْتَحِ‏ فَاعْمَلْ مَا شِئْت‏

حضرت رسول اكرم (ص) فرمود: چون حيا نداشتى پس هر چه خواهى عمل كن. زيرا در اين صورت اعمال خوب و بد تو يكسان است، و در حقيقت همه اعمال و رفتار تو ناپسند درگاه الهى خواهد بود.(مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى، متن، ص: 426)

ویژگی‌هایی در زمان اعراب قبل از اسلام بوده است که امکان هدایت آن‌ها را فراهم می‌کند. ما همیشه در مورد جاهلیت آن‌ها صحبت می‌کنند، ولی تا حدی انسان بوده‌اند که شب به خانه‌ی پیامبر حمله نکردند بلکه اجازه دادند صبح شود و با ایشان صحبت کردند. در شِعب ابی‌طالب به پیامبر اجازه‌ی بحث و صحبت می‌داده‌اند. از بزرگ قبیله حساب می‌بردند و برای کشتن پیامبر از او اجازه می‌خواستند. ویژگی برجسته‌ی فرهنگی عجیبی در آن‌ها بوده است؛ درست است که کشتن دختران و زنده‌به‌گور کردن آن‌ها هم بوده، ولی یک چیزی بوده که پیامبر در آنجا رفته‌اند. آن ویژگی‌ها در حد جامعه می‌شود، فرهنگ و به بیان دیگر سبک زندگی است.

حیوان است که چشم‌انداز و هدف بلند ندارد و عاقبت‌اندیش نیست.

أَعْقَلُ‏ النَّاسِ‏ أَنْظَرُهُمْ فِی الْعَوَاقِب (تصنیف غررالحکم ودررالکلم،ص52)

عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر به عواقب نگاه کند، نه اینکه یک بار، بیشتر نگاه کند. خیر، با یک بار بسنده نکند و مراقب باشند که چه به سرش می‌آید.

ما اساساً به اهدافمان توجه نمی‌کنیم. دین برای ما هدف تعیین کرده است ولی ما تعلق قلبی به هدف نداریم. ساعت‌ها و ساعت‌ها به هدف نمی‌اندیشیم. این سبک زندگی ما غلط است. با این حال دین چگونه می‌تواند ما را نجات دهد. سبک زندگی فقط ظواهر اعمال ما را در نظر نمی‌گیرد بلکه،

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىَ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، 191)

فقط با سحرخیزی می‌شود در فرج حضرت تعجیل ایجاد کرد.

برداشت ما از این آیه است که، سحرخیزی که تا این حد ارزش دارد و توصیه‌ی بزرگان است، از این آیه بر می‌آید که «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ» در مورد هدف خلقت خدا و اینکه خودش قرار است چه کند فکر می‌کند «ر َبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً». از خدا می خواهد که او را در مسیر هدف قرار دهد «فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

ائمه گریه‌هایشان به خاطر رفتار بد و ناشایست نیست، بلکه به خاطر آن هدفی است که می‌خواهند انجام دهند. توبه برای نیل به هدف و دوری از مسیرهای انحرافی است نه برای یک اخلاق بد و رفتار نادرست.

**زندگی هدف‌دار، زندگی منتهی به مرگ**

در حدیث داریم، اگر هر کسی در طول عمرش یک بار مرگ را می‌بیند مؤمن در هر روزش هفتاد بار تا دم مرگ می‌رود و برمی‌گردد.

مؤمن تا این حد هدف‌دار و هدف‌گراست که روزانه تا حد زیادی به عاقبت می‌اندیشند و هدف و وضعیتش در نیل به آن را در نظر دارد. أَعْقَلُ‏ النَّاسِ‏ أَنْظَرُهُمْ فِی الْعَوَاقِب

اگر یک آدم تا این حد به هدفش بها دهد دیگر، هدف بدی برای خود انتخاب نمی‌کند. هدف من که گرفتن یک مدرک و ماشین خوب و خانه‌ی بزرگ و ... نیست. اگر یک ساعت به این هدف فکر کنیم، حالمان به هم می‌خورد. ما فکر می‌کنیم به درس اخلاق به این معنا نیاز داریم که ما را هدف ما را نشان دهد. خیر سبک زندگی را باید تغییر دارد. ابلیس دوست دارد که به فکر اهداف نباشیم یا سریعاً انتخاب کنیم و با کله به سمت آن‌ها حرکت کنیم که مهلت فکر کردن نداشته باشیم.

به جایی می‌خواهیم برسیم که هفتاد میلیون آدم به ما نگاه کنند و بگویند که عجب آدم خوبی آه آه کاش ما او بودیم. کمی به آن نگاه کنیم از بس بی‌خود و گَند است حالمان به هم می‌خورد.

**مقدار اهمیت به این موضوع آیا واقع‌بینانه است یا خیر؟**

یک چشمه در پاسخ به این است که،

در یک حدیث شریف که طولانی است از پیامبر اسلام به ابوذر (علیه الرحمة) می‌فرمایند: اباذر برای هر حرکت و سکونت هدف تعیین کن. نیت داشته باش. حتی برای خور خواب خودت. اگر نداشته باشی جزء غافلین هستی.

خیال می‌کنیم، غافل تا آن حد هم سنگین نیست؟؟

أُوْلَـئِكَ كَالأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَـئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف، 179)

بی نیت بودن ولنگاری می‌آورد. در زندگی دنیا هم آدم را نابود می‌کند.

خیلی‌ها عادت ندارند که چرا باید به آنچه انجام می‌دهند، فکر کنند. خیلی از کارهایی که انجام می‌دهند با هم قابل جمع نیست و تعارض آشکار دارد.

زندگی هدف‌دار زندگی سختی نیست بلکه زندگی است که خیلی عالی و تمیز و لذت‌بخش و مَلَس و همراه با شادی است.

به گونه‌ای باید زندگی کنیم که عادت داشته باشیم، اهدافی در زندگی داشته باشیم و آن‌ها را ارزیابی کنیم.

اگر انسان خودش باشد و خودش. اما شرفی نسبت به اهدافش داشته باشد. پس از مدتی احساس می‌کند که از نیل به این اهداف سیر نمی‌شود. مانند سلمان فارسی در به در دنبال خدا می‌گردد و خودش سراغ دینی زندگی کردن، می‌رود.

اگر کسی از شما حساب بکشد و بگوید که خوب این هدف را برای خودت انتخاب کرده‌ای، خوب بعدش چی؟ باید بتوانیم تمام اهداف کوتاه مدتمان را در طول هدف بلندمدتمان تنظیم کنیم.

زندگی که در آن فقط خوردن و خوابیدن باشد اصلاً قابل‌تحمل نیست.

دیگران کاشتند و ما بخوریم (خوب خیلی عالی است) ما بکاریم و دیگران بخورند. (کراهت داریم ولی خوب، می‌توان تحمل کرد)

بخوریم و بکاریم و دیگران بخورند و بکارند و دیگران بخورند و دیگران بکارند و دیگران دیگران بخورند.

برخی از بی‌دینی‌ها علت آن این است که هدف بزرگی به افراد معرفی نمی‌شود و برای خوشان کسر شأن می‌دانند که زندگی خودشان را صرف امور دم دستی کنند پس اصلاً بی‌خیال هدف‌داری می‌شوند.

دوستان من، اهداف خاک برسری انتخاب نکنیم که خاک بر سرمان می‌شود.

هیچ‌کسی نباید برای دیگری هدف تعیین کند. هر کسی باید پله به پله برای خودش هدفش را بالا ببرد. یک کمی که به هدفی که داریم دقت کنیم اگر سست باشد، می‌ریزد پایین.

خلاصه اینکه در زندگی باید:

1. هدف انتخاب کنیم.
2. در مورد هدفمان زیاد فکر کنیم تا خودبه‌خود هدفمان ارتقا پیدا کند.
3. اعمالی که مطابق به اهدافمان است انجام دهیم
4. سعی کنیم به اهدافمان عشق بورزیم. تعلق خاطر به آن‌ها پیدا کنیم. رگ بار را به شکم هدفی بگیرید که نمی‌شود با آن عشق‌بازی کرد. اگر هدف دکتر شدن باشد. خوب هدف خوبی است! ولی نمی‌توان با آن عشق‌بازی کرد.
5. هدفی را انتخاب کنیم که بتوان به آن رسید. خداوند می‌فرمایند هر هدفی را غیر من انتخاب کنی تو را ناامید می‌کنم و نابودت می‌کنم تا روی آن هدف را هم نبینی.

**بحث سیاسی نمی‌کنیم!**

ما می‌گوییم حیوان است کسی که هدفش را کم انتخاب کند. حال چه می‌توان گفت به کسی که هدف جامعه را کم انتخاب می‌کند؟ او چیست؟

امام می‌فرمودند همه‌ی قسمت‌های جهان به هم ربط دارد. هیچ حادثه‌ای بدون تأثیرگذاری بر دیگر حوادث ایجاد نمی‌شود. حضرت امام قبل از اینکه عده‌ای دهکده‌ی جهانی را مطرح کنند، جهان را یک دهکده می‌دانستند. مسئولین جمهوری اسلامی باید بدانند هدف ما مقدمه سازی برای ظهور و نجات بشریت است نه اینکه کشور خودمان را آباد کنیم. کسانی که برای نجات جهان به شهادت می‌رسند از کسانی که برای نجات کشور خود به شهادت می‌رسند ارزش والاتری دارد.

آیا می‌شود من جوانم را در خانه‌ی خود تربیت کنم و بگویم که هدفت را ظهور امام عصر انتخاب کن و این جوانک من در جامعه‌ای زندگی کند که سیاستمداران آن جامعه بگویند که هدف ما محدود است به این کشور.

مردم به سیاستمدارانشان بیشتر شبیه هستند تا به پدر و مادرانشان. «الناس على دين ملوكهم‏» (الخصال / ترجمه فهرى، مقدمه، ص: 33)

اگر هدف را کم بگیریم نمی‌توانیم به آن رسید.

اگر گوشه چشمی به اهداف مردم اروپا نداشته باشیم نمی‌توانیم به اهداف خود برسیم.

مقایسه کنید. مقدار بودجه که فرانسه خرج می‌کند برای اینکه فرهنگ‌های دیگر کشورها را از بین ببرد تا به منافع اقتصادی خودش برسد با مقدار بودجه‌ای که کشور ما برای کارهای فرهنگی‌اش اختصاص می‌دهد.

بحث ما به هیچ‌وجه سیاسی نیست!!!

**صرف توجه به هدف، نیل به هدف**

شما خود شما آیا هدف‌دارید؟ آیا به آن نگاه می‌کنیم. نگاه که به آن می‌کنید مانند نوری که گیاه می‌تابد فتوسنتز می‌کند و رشد می‌کند و آب را از اعماق زمین بالا می‌کشد.

نیازی نیست که خدا به روی پرده بیاید و خودش را به ما نشان دهد. بلکه باید در خلقت خداوند فکر کنیم و به نتیجه برسیم. به هدف حاضر نیستیم فکر کنیم. کاش در آموزش و پرورش راه‌های فکر کردن، برای بچه‌های ما آموزش داده بشود. این‌ها چیزی‌هایی است که باید با آن‌ها زندگی کرد. باید قله را نگاه کرد و هدف خود را در نظر داشته باشیم.

مهم‌ترین عامل حرکت دهنده ما به سمت هدف خود هدف است. خود هدف باید انسان را بکُشد و بکِشد و دل انسان را ببرد. توجه به هدف مغناطیسی دارد که انسان را به سمت خودش می‌کشاند.

قال الكاظم (ع): لَيسَ مِنّا مَن لَم يُحاسِب نَفسَهُ في كُلِّ يَومٍ

امام كاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: از ما نيست كسي كه هر روز به حساب نفس خود نرسد پس اگر كار خوبي انجام داده بود خدا را شكر كند و از خدا بخواهد كه آن كار را بيشتر و بهتر بتواند انجام دهد و اگر كار بدي انجام داده بود استغفار و توبه نمايد. (كافي، ج2، ص 453)

شب‌ها قبل از خواب فکر کنیم که ما هدفمان در زندگی چیست؟ یکی است یا چند تا؟ هدف میانه‌ی من با آن هدف نهایی من در ارتباط است و من را به آن می‌رساند.

در این ایام محرم خودمان را محاسبه کنیم. محاسبه کار بسیار خوبی است که ما را به اباعبدالله الحسین نزدیک می‌کند.

صلی‌الله علیک یا اباعبدالله